بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مرور به گذشته 2](#_Toc427864624)

[موضع ادبی «أن یوصل» 2](#_Toc427864625)

[نکات موجود در آیه 2](#_Toc427864626)

[4.نوع حرمت قطع 2](#_Toc427864627)

[5.منظور از قطع و وصل 3](#_Toc427864628)

[نکات قطع و وصل 3](#_Toc427864629)

[**6.**احتمالات در صفات اولوا الالباب 3](#_Toc427864630)

[نتیجه فقهی از آیه 4](#_Toc427864631)

[منظور صله 4](#_Toc427864632)

[نکته مهم 4](#_Toc427864633)

# مرور به گذشته

بحث در نمیمه و نمامی بود. چون احتمالاً برای تکسب استفاده می‌شود در مکاسب آورده شده است. ادله‌ی عقلی را مورد بررسی قرار دادیم. دو آیه از قرآن کریم نیز بیان کردیم. آیات 25 سوره رعد و آیه 27 بقره.

**«وَالَّذِینَ ینقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِن بَعْدِ مِیثَاقِهِ وَیقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَن یوصَلَ وَیفْسِدُونَ فِی الأَرْضِ أُوْلَئِک لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»**

## موضع ادبی «أن یوصل»

**«أن یوصل»** این بدل از «ه» در «به» است. یعنی ما امر الله بوصله. چیزی که خدا به وصل آن امر کرده است.

یوصل نیز صیغه مجهول از وصل است.

## نکات موجود در آیه

نکات و اشکالاتی در مورد آیه بیان کردیم:

1. آیه مفید حرمت است.

2. جملات، مستقلاً موضوع هستند.

3. امر ظهور در وجوب دارد.

### 4. نوع حرمت قطع

نکته چهارم در دو آیه شریفه این است که آیه می‌فرماید قطع چیزی که وصل آن واجب است، حرام است. تحریمی که بر قطع آمده است، حرمت تبعی یا استقلالی و ذاتی است؟

یعنی خود قطع مستقلاً حرام است، یا اینکه به خاطر اینکه در مقابل وصل آمده است حرام است؟

ظاهر اولیه، با قطع‌نظر از وصل، حرمتی وجود دارد. فعل‌هایی که در طرف انجامش، وجوب، و در طرف ترکش، نهی قرار گرفته است یک نوع تأکد دارند. در نتیجه این حرمت مستقلاً برای قطع در نظر گرفته شده است. (البته این احتمال است و قطعاً نمی‌توانیم این امر را بگوییم).

### 5. منظور از قطع و وصل

این نکته واضح است و بیشتر جنبه تفصیلی دارد. قطع و وصل از مفاهیم واضح و پایه است و به دو نوع اساسی تقسیم می‌شود:

1. مادی و جسمی و فیزیکی

2. معنوی و اعتباری

وقتی دو نفر صلح باشند، با هم وصل‌اند و وقتی قهر باشند، با هم قطع‌اند. در اینجا منظور قطع و وصل معنوی است.

#### نکات قطع و وصل

در قطع و وصل فیزیکی، عدم ملکه است و واسطه نیست. یعنی قطع همان عدم وصل است. البته باید بدانیم که قطع و وصل در جایی است چند شیء باشند. قطع و وصل اعتباری نیز بدون واسطه است. یعنی یا اینکه ارتباط برقرار است یا نیست. البته باید دانست که وصل در دو قسم مراتبی دارد.

قطع با وصل گاهی به صورت مطلق به کار می‌رود. یک قطع و وصل درجه‌ای و مرتبه‌ای نیز داریم. یعنی این مرتبه از وصل را ندارد. به لحاظ این مرتبه از وصل، قطع است.

در این آیه منظور از قطع و وصل اعتباری است. بینشان نیز واسطه‌ای نیست.

### **6.** احتمالات در صفات اولو الالباب

در سوره رعد، در آیات قبل از این آیه، صفات اولی الالباب را برمی‌شمارد. «**أَفَمَن یعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَیک مِن رَبِّک الْحَقُّ کمَنْ هُوَ أَعْمَی إِنَّمَا یتَذَکرُ أُوْلُواْ الأَلْبَابِ\* أَ فَمَنْ یعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک الْحَقُّ کمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یتَذَکرُ أُولُوا الْأَلْبابِ \* الَّذینَ یوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا ینْقُضُونَ الْمیثاقَ \*وَ الَّذینَ یصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یوصَلَ وَ یخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ \*وَ الَّذینَ صَبَرُوا ابْتِغاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِیةً وَ یدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّیئَةَ أُولئِک لَهُمْ عُقْبَی الدَّارِ \*جَنَّاتُ عَدْنٍ یدْخُلُونَها وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیاتِهِمْ وَ الْمَلائِکةُ یدْخُلُونَ عَلَیهِمْ مِنْ کلِّ بابٍ \*سَلامٌ عَلَیکمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ**»[[1]](#footnote-1)

در توصیف اولی الالباب توصیفاتی می‌آورد. طبق قراین یقطعون در آیه 25، موجب حرمت است. اما وصلی که در آیه مذکور آمده است، استحباب دارد. چون در توصیف مؤمنین آمده است و اگر توصیف در خوبان آمده باشد، رجحان عام استفاده می‌شود. این قاعده عامه نیز در اینجا جریان دارد. جایی که توصیفات اولی الالباب را می‌آورد اعم از استحباب و وجوب است. یصلون با یقطعون متفاوت است. امر الله نیز باید به ترجیح مطلق معنی کنیم. صله در تمام درجات مستحب است. فقط در مرتبه‌ای که نباشد، حرام است.

احتمال دوم این است که در اینجا، قراینی وجود دارد که مقصود از اوصاف، حالت وجوب است. در آیه «**أَ فَمَنْ یعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک الْحَقُّ کمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یتَذَکرُ أُولُوا الْأَلْبابِ»** اولوا الالباب در مقابل اعمی قرار گرفته است. این اولوالألباب الزام دارد. در اینجا کف اولوا الاباب را بیان می‌کند که وجوب را مطرح می‌کند. اوصاف اولوا الالباب ظهور در وجوب دارد.

## نتیجه فقهی از آیه

نتیجه‌ی فقهی از این آیه این است که صله در مراتب حداقلی واجب است. اما دلیل وجوب بر مراتب صله نداریم.

### منظور صله

یک مصداق آن در روایات ولایت و امامت است. منظور از صله همان ولایت و امامت است. بعضی از روایات نیز بر صله رحم تطبیق داده شده است.

آیه مستقیم متعلق قطع و وصل را مشخص نکرده است. این از تکالیف درجه دوم است. یعنی مفروض گرفته است که شارع حکم را داده است و این تأکید بر آن دارد. گاهی احکام به شکلی است که می‌فرماید: «اقم الصلاة» در اینجا چیزی فرض گرفته نشده است و حکم درجه یک است. اما احکامی مثل «اطیعوا الله» از درجه دوم هستند. در اینجا فرض گرفته شده است که خداوند امری دارد تا اطاعت کنید.

در این آیه نیز چنین است. یعنی فرض گرفته شده است که خداوند وصل را در جایی حکم وجوب داده است، و اکنون به قطع آن نهی می‌کند. امر به وصل در مفروضات آیه است.

### نکته مهم

نکته بعدی این است که امر در «**أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَن یوصَلَ»** اعم از درجات الزام است. الزام به ولایت معصوم و نایب آن‌ها دارد. الزام به وصل رحم دارد. ممکن است به عناوین ثانویه نیز امر شده است. مثلاً ارتباط با یک دولت باعث، جلال و شوکت حکومت اسلامی می‌شود. این یک وصل الزامی است. یا مثلاً ارتباط حوزه با محیط‌های خاص است. پس این وصل در تمام درجات الزام است.

1. **- سوره رعد، آیات 19 تا 24.** [↑](#footnote-ref-1)